

بررسی عوامل موثر اقتصادی – اجتماعی بر بی تفاوتی اجتماعی دانشجویان (مورد مطالعه دانشجویان شهر اردبیل)

دکتر ایرج ساعی ارسى،^۱
هادی بهاری،^۲

چکیده

تمایل جوانان به عدم دخالت در امور و مشارکت آنها در مسائل گوناگون اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، تهدیدی بزرگ با عنوان بی تفاوتی اجتماعی را مطرح می کند که به مرور زمان همه ساختارها را تحت تاثیر خود قرار خواهد داد. از این رو هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی عوامل موثر اجتماعی- اقتصادی بر بی تفاوتی اجتماعی دانشجویان در شهر اردبیل هست. روش پژوهش پیمایشی و ابزار گردآوری اطلاعات پرسش نامه بوده است. از ۴۰۰ نفر دانشجو که از بین ۱۷۵۰۰ نفر

^۱ - استاد یار جامعه شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر، ابهر، زنجان، ایران

Email: saearasi@gmail.com

^۲ - دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم اجتماعی، موسسه آموزش عالی البرز قزوین، قزوین، ایران

Email: Hadi.bahari.67@gmail.com

از دانشجویان در حال تحصیل در سه مقطع فوق دیپلم ، لیسانس و فوق لیسانس در دانشگاه های (پیام نور و محقق اردبیلی) شهر اردبیل در سال تحصیلی ۹۴-۹۳ از طریق نمونه گیری طبقه بندی شده متناسب با حجم نمونه انتخاب شده و اطلاعات مربوط به پژوهش مورد نظر جمع آوری گردید. متغیر وابسته این پژوهش (بی تفاوتی اجتماعی) و متغیر های مستقل شامل (محرومیت نسبی ، تحلیل هزینه- پاداش ، رضایت اجتماعی ، طبقه اجتماعی ، احساس بی قدرتی و امید به آینده) بوده است. یافته های پژوهش حاکی از آن است که بین متغیرهای مستقل پژوهش و بی تفاوتی اجتماعی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد. علاوه بر این با توجه به نتایجی که در رگرسیون چند متغیره این پژوهش بدست آمد این است که در بین متغیرهای مستقل ، متغیر احساس بی قدرتی با ضریب (۰/۳۷۱) و بعد از آن متغیرهای امید به آینده و تحلیل هزینه- پاداش به ترتیب با ضریب (۰/۲۴۹) و (۰/۱۶۹) بیشترین تاثیر را بر متغیر بی تفاوتی اجتماعی داشته اند.

کلید واژه ها: بی تفاوتی اجتماعی، محرومیت نسبی، تحلیل هزینه- پاداش، رضایت اجتماعی، طبقه اجتماعی ، احساس بی قدرتی ، امید به آینده .

مقدمه

جامعه ایران که از لحاظ جمعیتی جامعه ای جوان است که در شرایط حاد و مزمن به سر می برد و در وضعیت پیچیده ای قرار دارد که با بی هنجاری و تعارض همراه است (چلبی، ۱۳۷۵). با گذشت زمان از اول انقلاب به بعد شاهد کاهش چشمگیر مشارکت مردمی و نوعی بی تفاوتی از سوی درصد چشمگیری از ایرانیان می باشیم (محسنی تبریزی، ۱۳۸۰). به نحوی که در انتخابات سال ۸۰، ۲۴ درصد در سال ۸۴، ۴۰ درصد در سال ۸۸، ۱۵ درصد و در سال ۹۲، ۲۸ درصد از واجدین شرایط مشارکت نکردند. علاوه بر این شاهد بی تفاوتی عاطفی مردم نسبت به هم‌نوعان خود در سالیان اخیر می باشیم. نمونه این فاجعه، نزاع میدان کاج تهران در آبان ماه ۱۳۸۹ می باشد که نزاعی خونین در مقابل دیده های عموم مردم و دو مامور پلیس اتفاق افتاد. خشونت‌ی که ۴۵ دقیقه طول کشید و مردمی با چاقو مرد دیگری را سلاخی کرد ولی مردم، بی تفاوت فقط نگاه کردند و فیلم گرفتند. وقوع چنین حوادثی بیانگر وضع موجود جامعه امروزی می باشد که در صورت تداوم در آینده نزدیک شاهد حوادثی ناگوارتر از این فاجعه خواهیم بود که سراسر جامعه را در بر خواهد گرفت. در این میان نقش دانشجویان به مراتب در فعالیتهای سیاسی - اجتماعی کاهش چشمگیری داشته است. از این رو هدف اصلی از انجام این پژوهش بررسی عوامل موثر اقتصادی - اجتماعی بر بی تفاوتی اجتماعی دانشجویان می باشد. با توجه به این موضوع ابتدا به مفاهیم و اصطلاحات به کار رفته در پژوهش می پردازیم. محرومیت نسبی^۲ «اختلاف بین از زندگی که فرد در آن به سر می برد، و آنچه که فکر می کند باید در عمل از آن برخوردار باشد» تعریف گردیده است. به عبارتی احساس محرومیت نسبت به گروهی که فرد خود را با آن مقایسه می کند (گیدنز، ۱۳۷۶).

^۱ - مرکز آمار ایران

^۲ . Relative deprivation

در این پژوهش محرومیت نسبی عدم دسترسی به شانس های زندگی و استانداردهای اجتماعی لازم برای امکانات زندگی نظیر شغل و تحصیلات و نظایر آن است. یعنی احساسی که طی آن چنانچه افراد از مقایسه خود با افراد کمابیش مشابه، احساس ناخوشایندی را در دسترسی آنان به امکانات و بهره هایی خاص و عدم دسترسی خود به آن داشته باشند دچار آن خواهند شد. به طور کلی به معنای وجود شکاف یا فاصله زیاد میان انتظارات و نیازها و امکانات ارضاء این نیازها است. رضایت اجتماعی ۱ به معنی وضعیتی است که طی آن افراد از امکان دستیابی یا رسیدن به اهداف و آمال خود خشنود باشند. عدم رضایت اجتماعی بیشتر در شرایط آنومی اجتماعی به وقوع می پیوندد که طی آن افراد اهداف یا آرزوهای بی حدی را در سر می پروراند و چون این آرزوها قابل ارضا شدن نیستند در نتیجه وضعیتی از نارضایتی اجتماعی مستمر پدید می آید (دورکیم، ۱۳۷۸). رضایت اجتماعی مبین رضایت و خشنودی دانشجویان از شرایط و امکانات موجود و به طور کلی از زندگی در ابعاد مختلف آن اعم از اقتصادی خانوادگی و تحصیلی است. طبقه اجتماعی ۲ به بخشی از اعضای جامعه اطلاق می شود که از نظر ارزش های مشترک، حیثیت، فعالیت های اجتماعی، میزان ثروت و متعلقات شخصی دیگر و نیز آداب معاشرت، از بخش های دیگر جامعه تفاوت داشته باشد (کوهن، ۱۳۸۴). برای شناخت طبقه اجتماعی در این پژوهش از شاخص های بنیادی از جمله درآمد، شغل، سطح تحصیلات استفاده گردیده است که بر این اساس به سه طبقه پایین، متوسط و بالا تقسیم می شوند. احساس بی قدرتی ۳ عبارت است از احتمال یا انتظار متصوره از سوی فرد در قبال بی تاثیری عمل خویش و یا تصور این باور که رفتار او قادر به تحقق و تعیین نتایج مورد انتظار که وی به دنبال آن است و فرد را به هدفی که کنش او بر اساس آن تجهیز گردیده است، رهنمون نیست و فرد قادر نیست آن را تعیین و تحقق بخشد (محسنی تبریزی، ۱۳۸۱). احساس بی قدرتی، احساس عدم تسلط فرد بر مسیر زندگی خویش و ناتوانی در حل معضلات جامعه و ساختار دانشگاه می باشد. امید به آینده ۴ داشتن باور به نتیجه مثبت اتفاق ها یا شرایط، در زندگی آینده می باشد. احساسی است درباره اینکه می توانیم آنچه را که می خواهیم، داشته باشیم در واقع به داشتن زندگی بهتر در آینده مرتبط است که باعث به وجود آمدن خلاقیت و مشارکت می گردد و در غیر اینصورت دلسردی و انفعال روی می دهد. (علیزاده اقدم، ۱۳۹۱) در این پژوهش امید به آینده به خوشبینی و عدم شک و تردید افراد نسبت به آینده و جامعه و وضعیت تحصیلی در دانشگاه اطلاق گردیده است. تحلیل هزینه

1. Social Satis faction

2. Social class

3. Power lessens

4. Hope for the future

– پاداش ۱ بیانگر وضعیتی است که در آن افراد در مواقع مواجهه با وضعیتهای اضطراری، بلافاصله به تحلیل و بررسی هزینه ها و پاداش های کنش خود می پردازد. در چنین حالتی، چنانچه هزینه نودوستی پایین و هزینه بی اعتنایی بالا باشد، افراد اقدام به نودوستی خواهند کرد و اگر بر عکس باشد یعنی هزینه نودوستی و یاری رساندن بالا و هزینه بی تفاوتی و عدم کمک پایین باشد با بی اعتنایی و بی تفاوتی با مساله مواجه می شوند (Piliavin, 1990). در این پژوهش تحلیل هزینه – پاداش به تصور مآل اندیشانه افراد در تحمل هزینه یا اخذ پاداشی که در قبال عمل دگرخواهانه انجام می دهند اطلاق می شود. بی تفاوتی اجتماعی^۳: ساروخانی بی تفاوتی اجتماعی را به معنی حضور منفعلانه انسانها در حیات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و به طور کلی تمام ابعاد حیات تعریف کرده است (ساروخانی، ۱۳۷۰). روز نبرگ^۴ بی تفاوتی اجتماعی را چنین تعریف می کند: پدیده ای اجتماعی که در آن افراد جامعه نسبت به محیط اطراف دلسرد و از آن کناره گیری می کنند که در قالب یک مساله اجتماعی شناخته و عمومیت پیدا می کند (Rosenberg, 1955). میچل (۱۹۸۸) و کنیستن (۱۹۸۵) بی تفاوتی اجتماعی را نوعی انفصال، جدائی و عدم پیوند ذهنی (شناختی) و عینی (کنشی) میان فرد و جامعه (نهادهای و ساختارهای اجتماعی نظیر سیاست، خانواده، مذهب و...) خوانده اند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۱). به طور کلی در این پژوهش کناره گیری و بی اعتنایی به واقعیت های پیرامون و مسائل اجتماعی، دلسردی و بی علاقهگی و سهیم نشدن در فعالیتهای دگرخواهانه و عدم درگیری فعال مدنی و بی اعتنایی و پرهیز نسبت به موضوعات اجتماعی، سیاسی و علمی دانشگاهی تحت عنوان بی تفاوتی اجتماعی تعریف گردیده است. به طور کلی در این باب که چگونه بی تفاوتی اجتماعی در جامعه پدیدار می شود و افراد از آن تبعیت می کنند اختلاف نظرهای چندی وجود دارد، نظریه های مرتبط با بی تفاوتی اجتماعی به طور عام، در قلمرو نظری جامعه شناسی، روانشناسی، علوم سیاسی و اقتصاد قرار می گیرد که از میان آن، در دو حیطه علمی جامعه شناسی، روانشناسی اجتماعی، تاکید بیشتری بر این موضوع شده است. فردیناند تونیس جامعه شناس آلمانی از تغییر در ارتباطات و روابط اجتماعی، غلبه اراده عقلانی بر اراده طبیعی، زوال ارزشهای روحانی و معنوی و تعویض وضعیت روابط مبتنی بر تعاون و همکاری جمعی با وضعیت روابط مبتنی بر فرد گرایی و بی تفاوتی و عقلانیت در جامعه صنعتی نام می برد و این شرایط را از شروط لازم در جدایی و انزوای

1 . Cost – Reward Analysis

2 . پیلیاوین

3 . Social apathy

4 . Rosenberg

5 . روزنبرگ.

انسان در دنیای صنعتی می داند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۰). تونیس معتقد است که انسان در عصر جدید بسیار فرد گرا شده است و این امر به او اجازه می دهد که نسبت به دیگران یا کل سیستم اجتماعی بی تفاوت باشد. وی شکل روابطی را که تاکنون وجود داشته است را به دو دسته تقسیم می کند: دسته اول روابطی است که مبتنی بر صمیمیت و پیوندهای عاطفی، خونی و طبیعی است و اصل اساسی در آن تمایل افراد به درگیری اجتماعی و تعاون بدون محاسبه هزینه و فایده است که آن را «اجتماع» (گماینشافت) ۱ می نامند. نوع دوم، روابطی است که مبتنی بر منطق و عقلانیت است. چنین روابطی مستلزم حسابگری و تحلیل هزینه و فایده است که تونیس آن را جامعه (گزلشافت) ۲ می نامد. تونیس خصلت اساسی جوامع جدید راکنش های عقلانی معطوف به هدف (به رغم وبر) وکنش های منطقی (به رغم پاره تو) می داند که براساس آن افراد کمتر ترجیح می دهند که در سیاست یا اجتماع درگیر شوند (کوهن، ۱۳۸۴). دور کیم در نظریه آنومی یا بی هنجاری اجتماعی بیشترین تاکید خود را بر فرو پاشی موازین و هنجارهای اجتماعی قرار داده بود. به نظر او زمانی که تحول نیازها و خواسته ها با وسایل و امکانات تطبیق نمی کنند و امکانات موجود پاسخگوی آنها نیست، باید در صدد محدود نمودن هیجانات برآمد در در غیر اینصورت شرایط موجود صورتی آنومیک به خود خواهد گرفت. در زمان های بحران، وقتی که قوانین با نیروهای جمعی شکسته و فروپاشیده می شوند، فرد در بی اتکایی، بی هنجاری و عدم تطابق با اوضاع موجود، دچار یأس و سرخوردگی می شود. دور کیم کنشگر را تحت الزام واقعیت های اجتماعی، به ویژه وجدان جمعی می دانست. (ریتزر، ۱۳۷۴) میلز طبقه متوسط را افرادی بی تفاوت می داند. او بر آن بود که طبقه متوسط، شامل افرادی مجزا و پراکنده در واقعیت های اجتماعی و تحت جبر و فشار اجتماعی، نا متشکل ولی همه جا گیر در فعالیت های اجتماعی است که قشر وسیعی از مردم دنیای معاصر و مدرن صنعتی را تشکیل می دهند. این افراد هیچ خطری برای هیچ کس ندارند زیرا که همه افرادی بی تفاوت، بی علاقه و بدون جوشش زندگی، سرخورده از جبر اجتماعی و بیگانه با پرسش های حیاتی و اساسی تاریخ بشر، سر در لاک غفلت و خاموشی فرو برده اند واز کنار هر چیزی، به راحتی می گذرند. او اشاره می کند که این افراد بازنده هستند و هیچ وقت خود این موضوع را نمی فهمند. آنها افرادی منفعل هستند و در واقع هیچ قدرتی ندارند. او اشاره می کند که این افراد به دنبال برنامه های تحمیل شده نظام حاکم، دوان دوان به این طرف و آن طرف کشانیده می شوند و در واقع افرادی بی قدرند (تنهایی، ۱۳۹۱). براون و اسکیس چنین اظهار نظر می کنند: تجدید سازمان مناسبات طبقاتی موجب

¹. Gemeinschaft

². Gesellschaft

شده که نابرابری های مادی افزایش یابد، اما در عین حال آگاهی از این نابرابری کاهش یافته است. نابرابری در امتیازات و مزیت ها شدیداً رشد یافته و باعث محدود کردن مزایا و امتیازات و محرومیت های گروههای مختلف در جامعه شده است و فرهنگ بی تفاوتی را تقویت کرده است (ملک، ۱۳۸۵). ادگار فردینبرگ از مفهومی نارضایتی (سخن به میان می آورد و آن را منبع اصلی فعالیت فرد در نظر می گیرد. به نظر فردینبرگ، احساس نارضایتی در فرد سبب می شود که وی به نوعی انفصال و بی تفاوتی از موضوعات پیرامونی میل کند فردی که به احساس نارضایتی دچار است خود را ناتوان تر از آن می بیند که بتواند تغییری در وضعیت خود و شرایط محیطی به وجود آورد. از این رو احساس نارضایتی به احساس بی باوری ۲ و ناامیدی ۳ منجر می گردد. وی در بررسی علل نارضایتی، توجه خود را عمدتاً معطوف به علل نارضایتی نسل جوان می کند. به نظر فردینبرگ محیط آموزشی و تجارب تحصیلی فرد، زندگی خانوادگی و ارتباطات فامیلی و گروه همسالان ۴ از عوامل عمده در بروز احساس نارضایتی نسل جوان است. فردینبرگ، در تحقیقات تجربی خود در باب علل بیکاری نسل جوان، بر این فرض کلی تاکید می کند که فرد نارضایتی خود را به صورت رفتار منفصلانه در قبال ارزشها، هنجارها و ضوابط اجتماعی نهادی شده بروز میدهد و در مقابل آن عکس العمل دفاعی همراه با نفرت، بدبینی، انفعال و بی تفاوتی می گیرد (Ferdinberg, 1963: ۵). هس و استون از احساس بی قدرتی خویش سخن به میان آورده اند. به عبارت دیگر، ادراک و تصور فرد از اقتدار سیاسی به گونه ای است که بتواند با احساس آسیب پذیر خود کنار آید. اگرچه در دوران کودکی، مهر و علاقه به اجتماع سیاسی-ملی بسیار زیاد است ولی بعدها با افزایش سن، این مهر و علاقه فرسایش یافته و کاسته می شود و به موازات آن از خود بیگانگی سیاسی افزایش می یابد. نتیجه این فرایند یا بی تفاوتی سیاسی ۶ و یا وارد شدن در جرگه مخالفت سیاسی است (شارع پور، ۱۳۸۳). رابرت دال استدلال می کند اگر مردم در ارزیابی های خود متوجه شوند که پاداش حاصل از درگیری سیاسی از پاداشهای ناشی از فعالیت های دیگر ناچیزتر است، آنها خود را کمتر درگیر سیاست خواهند کرد. وقتی فرد از یک فعالیت انتظار دریافت پاداش کلان داشته باشد، مشتاق و راغب خواهد بود که بر مشکلات موجود غلبه کند و حتی هزینه های آنرا نیز متحمل گردد. ولی وقتی ببیند یا باور داشته باشد که پاداش ها اندک است یا اصلاً وجود ندارد، کافی است عادی ترین موانع و هزینه ها را او مایوس کند و از

1. Resentment

2. Helplessness

3. Hopelessness

4. Pere Group

۵. فردینبرگ

6. political apathy

پیگیری آن باز دارد (دال، ۱۳۶۴). با توجه به مطالبی که بیان شد فرضیاتی که در این پژوهش در پی پاسخگویی به آنها می باشیم عبارتند از:

- بین بی تفاوتی اجتماعی دانشجویان و محرومیت نسبی رابطه معناداری وجود دارد.
- بین بی تفاوتی اجتماعی دانشجویان و تحلیل هزینه-پاداش رابطه معناداری وجود دارد.
- بین بی تفاوتی اجتماعی دانشجویان و رضایت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.
- بین بی تفاوتی اجتماعی دانشجویان و طبقه اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.
- بین بی تفاوتی اجتماعی دانشجویان و احساس بی قدرتی رابطه معناداری وجود دارد.
- بین بی تفاوتی اجتماعی دانشجویان و امید به آینده رابطه معناداری وجود دارد.

روش

این پژوهش با روش پیمایش از نوع مقطعی صورت می گیرد که با اجرای ابزار پژوهش و ارائه پرسش نامه بر روی نمونه بدست آمده انجام گرفت. با توجه به موضوع پژوهش جامعه آماری دانشجویان مراکز دانشگاهی شهر اردبیل (دولتی و پیام نور) را شامل می گردد. محیط پژوهش شهر اردبیل می باشد.

نمونه این پژوهش را دانشجویان مراکز دانشگاهی شهر اردبیل (دولتی و پیام نور) شامل می شود که تعداد آنها برابر با ۱۷۵۰۰ نفر می باشد. از شیوه نمونه گیری تصادفی طبقه بندی شده متناسب با حجم نمونه استفاده می شود تا برای هر یک از واحدها شانس و احتمال برابر در نظر گرفته شود.

جدول ۱: نمونه پژوهش

ردیف	رشته تحصیلی	دختر	پسر	حجم جامعه آماری	حجم نمونه
۱	علوم انسانی	۹۴	۱۰۴	۸۶۶۱	۱۹۸
۲	علوم پایه	۳۷	۶۰	۴۲۹۵	۹۸
۳	فنی و مهندسی	۳۹	۶۶	۴۵۴۴	۱۰۴
	کل	۱۷۰	۲۳۰	۱۷۵۰۰	۴۰۰

براساس برآورد انجام گرفته از تعداد دانشجویان مراکز دانشگاهی شهر (دولتی و پیام نور) تعداد آنها برابر است با $N=17500$ که براساس فرمول برآورد حجم نمونه کوکران تعداد (۳۷۶) نفر تعیین شد و به جهت افزایش اعتبار نمونه تعداد به ۴۰۰ نفر افزایش یافت. واحد پژوهش دانشگاههای مراکز

شهر اردبیل (دولتی و پیام نور) می‌باشد. ابزار گردآوری اطلاعات با ارائه پرسش نامه به نمونه به دست آمده از دانشجویان بدست آمد. اعتبار میزان انطباق مفهومی متغیر با تعریف عملیاتی آن است. منظور از اعتبار پاسخ به این پرسش است که آیا ابزار گردآوری همان مفهومی را می‌سنجد که ما می‌خواهیم اندازه گیری کنیم (ساعی ارسی، ۱۳۸۹). بر اساس نظریه بی تفاوتی اجتماعی و نیز پژوهش‌های پیشین، می‌توان گفت که ابزار سنجش، دارای اعتبار صوری^۱ نیز می‌باشد. منظور از روایی یا پایایی این است که اگر آزمایش را چند بار تکرار یا تجزیه و تحلیل را به دفعات مختلف انجام دهیم، در همه موارد نتایج به دست آمده یکسان باشد (ساروخانی، ۱۳۸۵). برای تعیین پایایی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده می‌شود، در واقع آلفای کرونباخ نشانگر انسجام درونی و همسازی داخلی گویه‌ها به شمار می‌رود.

جدول ۲: نتایج تحلیل روایی متغیرهای پژوهش

ضریب پایایی	تعداد گویه‌ها	متغیر
۰/۷۶۶	۲۸	بی تفاوتی اجتماعی
۰/۸۸۱	۱۰	محرومیت نسبی
۰/۸۲۳	۱۵	رضایت اجتماعی
۰/۸۶۷	۵	طبقه اجتماعی
۰/۸۱۵	۹	امید به آینده
۰/۸۱۳	۷	تحلیل هزینه - پاداش
۰/۸۷۸	۱۲	احساس بی قدرتی

پس از تدوین پرسش نامه، پرسش نامه‌ها به مدت ۲۰ روز در فروردین و اردیبهشت ماه ۱۳۹۴ به صورت تصادفی طبقه بندی شده متناسب با حجم نمونه در میان دانشجویان (دانشگاه پیام نور و محقق) مراکز شهر اردبیل توزیع گردید. قبل از تکمیل پرسشنامه توسط دانشجویان، توضیح مختصری درباره اهداف پژوهش، تضمین حفظ اسرار به دانشجویان داده شد. در مجموع ۴۰۰ پرسش نامه در بین دانشجویان توزیع گردید و پس از جمع، همین تعداد مورد توصیف و تحلیل قرار گرفت. داده‌های آماری با استفاده از بسته نرم افزاری SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای سنجش آمار توصیفی از شاخص‌ها و گرایش‌های مرکزی مربوطه (نم، میانه، میانگین درصدها و...) و برای سنجش استنباطی از ضرایبی چون آزمون تحلیل واریانس f ، آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن و پیرسون و آزمون رگرسیون چند متغیره، استفاده شد.

¹. Face validity

یافته ها

با توجه به نتایج بدست آمده از یافته های توصیفی از نظر جنسیت تعداد دختران (۱۷۰) و پسران (۲۳۰) نفر بوده است. بیشترین حجم جمعیتی یا فراوانی پاسخ دهندگان محدوده سنی ۱۹ تا ۲۱ سال بوده که حدود ۳۸/۵ درصد از کل نمونه را در بر گرفته است. از نقطه نظر وضعیت تأهل ۷۵/۵ درصد از پاسخگویان و به عبارتی ۳۰۲ نفر ازدواج نکرده بودند و ۲۴/۵ درصد از پاسخگویان و به عبارتی ۹۸ نفر متأهل بودند. از ۴۰۰ نفر نمونه آماری این پژوهش تعداد ۲۸ نفر معادل ۷ درصد در مقطع تحصیلی فوق دیپلم، تعداد ۲۹۷ نفر معادل ۷۴/۲ درصد در مقطع تحصیلی لیسانس و ۷۵ نفر معادل ۱۸/۸ درصد در مقطع تحصیلی فوق لیسانس تحصیل می کنند. از این تعداد ۱۹۸ نفر در رشته علوم انسانی، ۹۸ نفر در رشته علوم پایه و ۱۰۴ نفر در رشته فنی و مهندسی تحصیل می کنند. ۵۲ نفر دانشجویان معادل ۱۳ درصد شاغل و ۳۴۸ نفر معادل ۸۷ درصد پاسخگویان بیکار می باشند. در مجموع از ۴۰۰ نفر نمونه آماری این پژوهش ۷۲ نفر معادل ۱۸ درصد پاسخگویان در روستا و ۳۸۲ نفر از پاسخگویان معادل ۸۲ درصد در شهر زندگی می کنند. از نقطه نظر قومیت بیشترین کمیت پاسخ دهندگان مربوط به قومیت آذری و پس از آن اقوام فارس، کرد و عرب قرار دارند.

توصیف متغیر های پژوهش نشان می دهد در متغیر بی تفاوتی اجتماعی که از طریق ۴ شاخص سنجیده شده است و در برگزیده ۲۸ گویه می باشد که بدین ترتیب عملیاتی گردیده است. سپس میانگین گویه ها با اعمال برابری وزنی برای ۴ شاخص محاسبه گردیده است که میانگین بدست آمده از گویه ها به عنوان نمره متغیر بی تفاوتی اجتماعی برای هر فرد در نظر گرفته شده است.

توزیع فراوانی پاسخگویان برای متغیر بی تفاوتی اجتماعی نشان دهنده آن است که ۱۱۲ نفر از پاسخگویان معادل ۲۸ درصد از کل پاسخگویان بی تفاوتی در حد کم از خود نشان داده اند. در ضمن تعداد ۲۷۶ نفر از پاسخگویان معادل ۶۹ درصد از کل پاسخگویان بی تفاوتی در حد متوسط را از خود نشان داده اند و در نهایت تعداد ۱۲ نفر از پاسخگویان معادل ۳ درصد از کل پاسخگویان بی تفاوتی در حد زیاد را از خود نشان داده اند. شاخص های توصیفی متغیر بی تفاوتی اجتماعی نمایانگر آن است که نما عدد ۱/۰۳ می باشد به عبارتی این عدد بیشترین تکرار و فراوانی را دارد. میانهم ۲/۰۹۹۲ می باشد که عددی نزدیک به میانگین می باشد و به عبارتی نیمی از فراوانی از آن کمتر و نیمی دیگر از آن بیشتر هستند. میانگین هم برای متغیر مورد نظر عدد ۲/۰۴۲۵ که در حد متوسط می باشد. بیشترین میزان احساس بی تفاوتی عدد ۴/۲ می باشد و کمترین میزان احساس بی تفاوتی را عدد ۰/۶۸ به خود اختصاص داده است که با توجه به این اعداد دامنه تغییرات عدد ۳/۳۴ می باشد. چولگی نیز عدد ۰/۱۷۶ می باشد که نشانگر آن است منحنی آن به گونه ای مثبت به صورت

چوله درآمده است یعنی نمرات افراد تا حدودی حول وحوش مقادیر پایین متغیر متمرکزند. کشیدگی هم عدد 0.071 رابه خود اختصاص داده است که با توجه به مثبت بودن آن نشان می‌دهد که توزیع حول میانگین متمرکز شده و از پراکندگی کمتری برخوردار است. واریانس توزیع داده‌ها نیز مقدار 0.408 را نشان می‌دهد.

متغیر محرومیت نسبی از طریق ۳ شاخص سنجیده شده است که در برگیرنده ۱۰ گویه می‌باشد که بدین ترتیب عملیاتی گردیده است. سپس میانگین گویه‌ها با اعمال برابری وزنی برای ۳ شاخص محاسبه گردیده است که میانگین بدست آمده از گویه‌ها به عنوان نمره متغیر محرومیت نسبی برای هر فرد در نظر گرفته شده است.

توزیع فراوانی پاسخگویان برای متغیر محرومیت نسبی نشان دهنده آن است که ۱۲۶ نفر از پاسخگویان معادل $31/5$ درصد از کل پاسخگویان محرومیت نسبی در حد کم از خود نشان داده‌اند. همچنین تعداد ۱۹۶ نفر از پاسخگویان معادل ۴۹ درصد از کل پاسخگویان محرومیت نسبی در حد متوسط را از خود نشان داده‌اند و در نهایت تعداد ۷۸ نفر از پاسخگویان معادل $19/5$ درصد از کل پاسخگویان احساس محرومیت نسبی در حد زیاد را از خود نشان داده‌اند. شاخص‌های توصیفی متغیر محرومیت نسبی نمایانگر آن است که نما عدد $3/20$ می‌باشد به عبارتی این عدد بیشترین تکرار و فراوانی را دارد. میانه هم $2/9000$ می‌باشد که عددی نزدیک به میانگین می‌باشد و به عبارتی نیمی از فراوانی از آن کمتر و نیمی دیگر از آن بیشتر هستند. میانگین هم برای متغیر مورد نظر عدد $2/8575$ که در حد متوسط به بالامی باشد. بیشترین میزان احساس محرومیت نسبی عدد $4/80$ می‌باشد و کمترین میزان احساس محرومیت نسبی را عدد $1/00$ به خود اختصاص داده است که با توجه به این اعداد دامنه تغییرات عدد $3/80$ می‌باشد. چولگی نیز عدد 0.076 - می‌باشد که نشانگر آن است منحنی آن به گونه‌ای منفی به صورت چوله درآمده است یعنی نمرات افراد تا حدودی حول وحوش مقادیر بالای متغیر متمرکزند. کشیدگی هم عدد 0.680 - رابه خود اختصاص داده است که با توجه به منفی بودن آن نشان می‌دهد که توزیع در اطراف میانگین پخش شده و از پراکندگی زیادی برخوردار است. واریانس توزیع داده‌ها نیز مقدار 0.786 را نشان می‌دهد.

متغیر رضایت اجتماعی از طریق ۴ شاخص سنجیده شده است که در برگیرنده ۱۵ گویه می‌باشد که بدین ترتیب عملیاتی گردیده است. سپس میانگین گویه‌ها با اعمال برابری وزنی برای ۴ شاخص محاسبه گردیده است که میانگین بدست آمده از گویه‌ها به عنوان نمره متغیر محرومیت نسبی برای هر فرد در نظر گرفته شده است.

توزیع فراوانی پاسخگویان برای متغیر رضایت اجتماعی نشان دهنده آن است که ۲۴ نفر از پاسخگویان معادل ۶ درصد از کل پاسخگویان میزان رضایت در حد کم از خود نشان داده اند. همچنین تعداد ۲۶۴ نفر از پاسخگویان معادل ۶۶ درصد از کل پاسخگویان میزان رضایت در حد متوسط را از خود نشان داده اند و در نهایت تعداد ۱۱۲ نفر از پاسخگویان معادل ۲۸ درصد از کل پاسخگویان میزان رضایت در حد زیاد را از خود نشان داده اند. شاخص‌های توصیفی متغیر رضایت اجتماعی نمایانگر آن است که نما عدد $3/00$ می‌باشد به عبارتی این عدد بیشترین تکرار و فراوانی را دارد. میانه هم $2/9333$ می‌باشد که عددی نزدیک به میانگین می‌باشد و به عبارتی نیمی از فراوانی از آن کمتر و نیمی دیگر از آن بیشتر هستند. میانگین هم برای متغیر مورد نظر عدد $2/8863$ که در حد متوسط به بالایی باشد. بیشترین میزان احساس رضایت عدد $4/87$ می‌باشد و کمترین میزان احساس رضایت را عدد $1/00$ به خود اختصاص داده است که با توجه به این اعداد دامنه تغییرات عدد $3/78$ می‌باشد. چولگی نیز عدد $0/103$ - می‌باشد که نشانگر آن است منحنی آن به گونه‌ای منفی به صورت چوله درآمده است یعنی نمرات افراد تا حدودی حول وحوش مقادیر بالای متغیر متمرکزند. کشیدگی هم عدد $0/235$ - رابه خود اختصاص داده است که با توجه به منفی بودن آن نشان می‌دهد که توزیع در اطراف میانگین پخش شده و از پراکندگی زیادی برخوردار است. واریانس توزیع داده‌ها نیز مقدار $0/539$ را نشان می‌دهد.

متغیر احساس بی قدرتی از طریق ۳ شاخص سنجیده شده است که در برگزیده ۱۲ گویه می‌باشد که بدین ترتیب عملیاتی گردیده است. سپس میانگین گویه‌ها با اعمال برابری وزنی برای ۳ شاخص محاسبه گردیده است که میانگین بدست آمده از گویه‌ها به عنوان نمره متغیر احساس بی قدرتی برای هر فرد در نظر گرفته شده است.

توزیع فراوانی پاسخگویان برای متغیر احساس بی قدرتی نشان دهنده آن است که ۸۸ نفر از پاسخگویان معادل ۲۲ درصد از کل پاسخگویان احساس بی قدرتی در حد کم از خود نشان داده اند. همچنین تعداد ۲۶۸ نفر از پاسخگویان معادل ۶۷ درصد از کل پاسخگویان میزان احساس بی قدرتی در حد متوسط را از خود نشان داده اند و در نهایت تعداد ۴۴ نفر از پاسخگویان معادل ۱۱ درصد از کل پاسخگویان میزان احساس بی قدرتی در حد زیاد را از خود گزارش داده‌اند. شاخص‌های توصیفی متغیر احساس بی قدرتی نمایانگر آن است که نما عدد $2/50$ می‌باشد به عبارتی این عدد بیشترین تکرار و فراوانی را دارد. میانه هم $2/4167$ می‌باشد که عددی نزدیک به میانگین می‌باشد و به عبارتی نیمی از فراوانی از آن کمتر و نیمی دیگر از آن بیشتر هستند. میانگین هم برای متغیر مورد نظر عدد $2/3254$ که در حد متوسط می‌باشد. بیشترین میزان احساس بی قدرتی عدد $4/50$ می‌باشد و

کمترین میزان احساس بی قدرتی را عدد $0/33$ به خود اختصاص داده است که با توجه به این اعداد دامنه تغییرات عدد $4/17$ می باشد. چولگی نیز عدد $0/45$ - می باشد که نشانگر آن است منحنی آن به گونه ای منفی به صورت چوله درآمده است یعنی نمرات افراد تا حدودی حول وحوش مقادیر بالای متغیر متمرکزند. کشیدگی هم عدد $0/394$ - رابه خود اختصاص داده است که با توجه به منفی بودن آن نشان می دهد که توزیع در اطراف میانگین پخش شده و از پراکندگی زیادی برخوردار است. واریانس توزیع داده ها نیز مقدار $0/774$ را نشان می دهد.

متغیر امید به آینده از طریق ۳ شاخص سنجیده شده است که در برگزیده ۷ گویه می باشد که بدین ترتیب عملیاتی گردیده است. سپس میانگین گویه ها با اعمال برابری وزنی برای ۳ شاخص محاسبه گردیده است که میانگین بدست آمده از گویه ها به عنوان نمره متغیر امید به آینده برای هر فرد در نظر گرفته شده است.

توزیع فراوانی پاسخگویان برای متغیر امید به آینده نشان دهنده آن است که ۸۲ نفر از پاسخگویان معادل $20/5$ درصد از کل پاسخگویان میزان امید به آینده در حد کم از خود نشان داده اند. همچنین تعداد ۲۵۰ نفر از پاسخگویان معادل $62/5$ درصد از کل پاسخگویان میزان امید به آینده در حد متوسط را از خود نشان داده اند و در نهایت تعداد ۶۸ نفر از پاسخگویان معادل 17 درصد از کل پاسخگویان میزان امید به آینده در حد زیاد را از خود نشان داده اند. شاخص های توصیفی متغیر امید به آینده نمایانگر آن است که نما عدد $3/12$ می باشد به عبارتی این عدد بیشترین تکرار و فراوانی را دارد. میانگین هم $3/000$ می باشد که عددی نزدیک به میانگین می باشد و به عبارتی نیمی از فراوانی از آن کمتر و نیمی دیگر از آن بیشتر هستند. میانگین هم برای متغیر مورد نظر عدد $2/9869$ که در حد متوسط می باشد. بیشترین میزان امید به آینده عدد $5/00$ می باشد و کمترین میزان امید به آینده را عدد $3/88$ به خود اختصاص داده است که با توجه به این اعداد دامنه تغییرات عدد $3/88$ می باشد. چولگی نیز عدد $0/07$ - می باشد که نشانگر آن است منحنی آن به گونه ای منفی به صورت چوله درآمده است یعنی نمرات افراد تا حدودی حول وحوش مقادیر بالای متغیر متمرکزند. کشیدگی هم عدد $0/113$ - رابه خود اختصاص داده است که با توجه به منفی بودن آن نشان می دهد که توزیع در اطراف میانگین پخش شده و از پراکندگی زیادی برخوردار است. واریانس توزیع داده ها نیز مقدار $0/625$ را نشان می دهد.

متغیر تحلیل هزینه-پاداش از طریق ۲ شاخص سنجیده شده است که در برگزیده ۷ گویه می باشد که بدین ترتیب عملیاتی گردیده است. سپس میانگین گویه ها با اعمال برابری وزنی برای ۲

شاخص محاسبه گردیده است که میانگین بدست آمده از گویه‌ها به عنوان نمره متغیر تحلیل هزینه-پاداش برای هر فرد در نظر گرفته شده است.

توزیع فراوانی پاسخگویان برای متغیر تحلیل هزینه-پاداش نشان دهنده آن است که ۲۱۰ نفر از پاسخگویان معادل ۵۲/۵ درصد از کل پاسخگویان میزان تحلیل هزینه-پاداش در حد کم از خود نشان داده‌اند. همچنین تعداد ۱۵۶ نفر از پاسخگویان معادل ۳۹ درصد از کل پاسخگویان میزان تحلیل هزینه-پاداش در حد متوسط را از خود نشان داده‌اند و در نهایت تعداد ۳۴ نفر از پاسخگویان معادل ۸/۵ درصد از کل پاسخگویان میزان تحلیل هزینه-پاداش در حد زیاد را از خود نشان داده‌اند. شاخص‌های توصیفی متغیر تحلیل هزینه-پاداش نمایانگر آن است که ناعدد ۱/۰۰ می‌باشد به عبارتی این عدد بیشترین تکرار و فراوانی را دارد. میانه هم ۲/۲۸۵۷ می‌باشد که عددی نزدیک به میانگین می‌باشد و به عبارتی نیمی از فراوانی از آن کم‌تر و نیمی دیگر از آن بیشتر هستند. میانگین هم برای متغیر مورد نظر عدد ۲/۳۱۵۰ است که در حد متوسط می‌باشد. بیشترین میزان تحلیل هزینه-پاداش عدد ۵/۰۰ می‌باشد و کمترین میزان تحلیل هزینه-پاداش راعدد ۱/۰۰ به خود اختصاص داده است که با توجه به این اعداد دامنه تغییرات عدد ۴/۰۰ می‌باشد. چولگی نیز عدد ۰/۴۳۶ می‌باشد که نشانگر آن است منحنی آن به گونه‌ای مثبت به صورت چوله درآمده است یعنی نمرات افراد حول وحوش مقادیر پایین متغیر متمرکزند. کشیدگی هم عدد ۰/۳۷۶ - رابه خود اختصاص داده است که با توجه به منفی بودن آن نشان می‌دهد که توزیع در اطراف میانگین پخش شده و از پراکندگی زیادی برخوردار است. واریانس توزیع داده‌ها نیز مقدار ۰/۸۱۳ را نشان می‌دهد.

متغیر طبقه اجتماعی از طریق ۳ شاخص سنجیده شده است که در برگزیده ۵ گویه می‌باشد که بدین ترتیب عملیاتی گردیده است. سپس میانگین گویه‌ها با اعمال برابری وزنی برای ۳ شاخص محاسبه گردیده است که میانگین بدست آمده از گویه‌ها به عنوان نمره متغیر طبقه اجتماعی برای هر فرد در نظر گرفته شده است.

توزیع فراوانی پاسخگویان برای متغیر طبقه اجتماعی نشان دهنده آن است که ۱۷۸ نفر از پاسخگویان معادل ۴۳/۵ درصد از کل پاسخگویان در طبقه پایین قرار دارند. همچنین تعداد ۱۵۰ نفر از پاسخگویان معادل ۳۷/۵ درصد از کل پاسخگویان در طبقه متوسط جای گرفته‌اند و در نهایت تعداد ۷۶ نفر از پاسخگویان معادل ۱۹ درصد از کل پاسخگویان در طبقه بالا قرار دارند. شاخص‌های توصیفی متغیر طبقه اجتماعی دانشجویان مورد پژوهش نمایانگر آن است که ناعدد ۱/۰۰ می‌باشد به عبارتی این عدد بیشترین تکرار و فراوانی را دارد. میانه هم ۱/۸۰۰ می‌باشد که عددی نزدیک به میانگین می‌باشد و به عبارتی نیمی از فراوانی از آن کم‌تر و نیمی دیگر از آن بیشتر هستند. میانگین هم برای

متغیر مورد نظر عدد ۱/۸۲۲۰ است که در حد متوسط به پایین می‌باشد. بالاترین طبقه عدد ۳/۰۰ می‌باشد و پایین ترین طبقه راعدد ۱/۰۰ به خود اختصاص داده است که با توجه به این اعداد دامنه تغییرات عدد ۲/۰۰ می‌باشد. چولگی نیز عدد ۰/۳۷۰ می‌باشد که نشانگر آن است منحنی آن به گونه‌ای مثبت به صورت چوله درآمده است یعنی نمرات افراد حول وحوش مقادیر پایین متغیر متمرکزند. کشیدگی هم عدد ۰/۵۳۴- رابه خود اختصاص داده است که با توجه به منفی بودن آن نشان می‌دهد که توزیع در اطراف میانگین پخش شده و از پراکندگی زیادی برخوردار است. واریانس توزیع داده‌ها نیز مقدار ۰/۳۳۵ را نشان می‌دهد.

با توجه به یافته های استنباطی پژوهش در فرضیه اول که عبارت است از، بین محرومیت نسبی و بی تفاوتی اجتماعی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد. هر دو متغیر بی تفاوتی اجتماعی و محرومیت نسبی در سطح فاصله‌ای قرار دارند با توجه به این موضوع برای سنجش رابطه بین این دو متغیر از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌شود. از آنجایی که Sig بدست آمده برابر با ۰/۰۰۰ می‌باشد و از ۰/۰۵ کمتر است نتیجه می‌گیریم که بین محرومیت نسبی و بی تفاوتی اجتماعی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد. براین اساس در این صورت داریم اگر $p > 0$ آنگاه ارتباط بین دو متغیر مستقیم است و اگر $p < 0$ باشد در این صورت ارتباط بین دو متغیر عکس است. با توجه به این که مقدار این رابطه برابر با ۰/۳۰۰ است به صورت مستقیم و مثبت می‌باشد بدین معنی که با بیشتر بودن احساس محرومیت نسبی دانشجویان میزان بی تفاوتی اجتماعی آنها نیز بیشتر خواهد بود و بالعکس.

در فرضیه دوم که عبارت است از، بین تحلیل هزینه- پاداش و بی تفاوتی اجتماعی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد. هر دو متغیری تفاوتی اجتماعی و تحلیل هزینه - پاداش در سطح فاصله‌ای قرار دارند با توجه به این موضوع برای سنجش رابطه بین این دو متغیر از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌شود. از آنجایی که Sig بدست آمده برابر با ۰/۰۰۰ می‌باشد و از ۰/۰۵ کمتر است نتیجه می‌گیریم که بین تحلیل هزینه - پاداش و بی تفاوتی اجتماعی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به این که مقدار این رابطه برابر با ۰/۳۵۵ است به صورت مستقیم و مثبت می‌باشد بدین معنی که با بیشتر بودن میزان تحلیل هزینه پاداش دانشجویان میزان بی تفاوتی اجتماعی آنها نیز بیشتر خواهد بود و بالعکس.

در فرضیه سوم که عبارت است از ، بین رضایت اجتماعی و بی تفاوتی اجتماعی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد. هر دو متغیری تفاوتی اجتماعی و رضایت اجتماعی در سطح فاصله‌ای قرار دارند. با توجه به این موضوع برای سنجش رابطه بین این دو متغیر از آزمون ضریب همبستگی

پیرسون استفاده می‌شود. از آنجایی که Sig بدست آمده برابر با ۰/۰۰۰ می‌باشد و از ۰/۰۵ کمتر است نتیجه می‌گیریم که بین رضایت اجتماعی و بی تفاوتی اجتماعی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به این که مقدار این رابطه برابر با ۰/۲۹۴- است به صورت معکوس و منفی می‌باشد. بدین معنی که با کمتر بودن رضایت اجتماعی دانشجویان میزان بی تفاوتی اجتماعی آنها نیز بیشتر خواهد بود و بالعکس.

در فرضیه چهارم که عبارت است از، بین طبقه اجتماعی و بی تفاوتی اجتماعی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد. هر دو متغیری تفاوتی اجتماعی و طبقه اجتماعی در سطح فاصله‌ای قرار دارند. با توجه به این موضوع برای سنجش رابطه بین این دو متغیر از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌شود. از آنجایی که Sig بدست آمده برابر با ۰/۰۰۵ می‌باشد و از ۰/۰۵ کمتر است نتیجه می‌گیریم که بین طبقه اجتماعی و بی تفاوتی اجتماعی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به این که مقدار این رابطه برابر با ۰/۱۳۹- است به صورت معکوس و منفی می‌باشد. بدین معنی که با پایین بودن طبقه اجتماعی دانشجویان میزان بی تفاوتی اجتماعی آنها نیز بیشتر خواهد بود و بالعکس.

در فرضیه پنجم که عبارت است از، بین احساس بی قدرتی و بی تفاوتی اجتماعی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد. هر دو متغیری تفاوتی اجتماعی و احساس بی قدرتی در سطح فاصله‌ای قرار دارند. با توجه به این موضوع برای سنجش رابطه بین این دو متغیر از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌شود. از آنجایی که Sig بدست آمده برابر با ۰/۰۰۰ می‌باشد و از ۰/۰۵ کمتر است نتیجه می‌گیریم که بین احساس بی قدرتی و بی تفاوتی اجتماعی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد. با توجه به این که مقدار این رابطه برابر با ۰/۵۵۶+ است به صورت مستقیم و مثبت می‌باشد. بدین معنی که با بیشتر بودن احساس بی قدرتی دانشجویان میزان بی تفاوتی اجتماعی آنها نیز بیشتر خواهد بود و بالعکس.

در فرضیه ششم که عبارت است از، بین امید به آینده و بی تفاوتی اجتماعی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد. هر دو متغیری تفاوتی اجتماعی و امید به آینده در سطح فاصله‌ای قرار دارند. با توجه به این موضوع برای سنجش رابطه بین این دو متغیر از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌شود. از آنجایی که Sig بدست آمده برابر با ۰/۰۰۰ می‌باشد و از ۰/۰۵ کمتر است نتیجه می‌گیریم که بین امید به آینده و بی تفاوتی اجتماعی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد. براین اساس در این صورت داریم اگر $p > 0$ آنگاه ارتباط بین دو متغیر مستقیم است و اگر $p < 0$ باشد در این صورت ارتباط بین دو متغیر معکوس است. با توجه به این که مقدار این رابطه برابر با ۰/۴۸۱- است به

صورت معکوس و منفی می‌باشد بدین معنی که با کمتر بودن امید به آینده دانشجویان میزان بی تفاوتی اجتماعی آنها نیز بیشتر خواهد بود و بالعکس.

در رگرسیون چند متغیره پژوهش که مقدار ضریب همبستگی (R) بین متغیرها ۰/۶۳۲ می‌باشد نشان دهنده آن است که بین مجموعه متغیرهای مستقل و متغیر وابسته پژوهش (بی تفاوتی اجتماعی) همبستگی نسبتاً قوی وجود دارد. اما مقدار ضریب تعیین تعدیل شده که برابر با ۰/۳۹۹ می‌باشد، نشان می‌دهد که ۳۹/۹٪ از کل تغییرات میزان بی تفاوتی اجتماعی دانشجویان شهر اردبیل وابسته به ۶ متغیر مستقل می‌باشد. به عبارت دیگر، مجموعه متغیرهای مستقل ۳۹/۹ درصد از واریانس متغیر بی تفاوتی اجتماعی را پیش بینی (برآورد) می‌کنند. با توجه به مقدار معنی داری آزمون $F(43/506)$ در سطح خطای کوچکتر از ۰/۰۵ می‌توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیونی تحقیق مرکب از ۶ متغیر مستقل و یک متغیر وابسته (بی تفاوتی اجتماعی) مدل خوبی بوده و مجموعه متغیرهای مستقل قادرند تغییرات بی تفاوتی اجتماعی را تبیین کنند.

در رگرسیون چند متغیره اولاً، تأثیر سه متغیر تحلیل هزینه - پاداش، احساس بی قدرتی و امید به آینده بر بی تفاوتی اجتماعی معنی دار است، اما متغیرهای محرومیت نسبی، رضایت اجتماعی و طبقه اجتماعی، به خاطر اینکه سطح خطای مقدار t آنها بالاتر از ۰/۰۵ می‌باشد، نشان دهنده این است که سه متغیر مذکور بر متغیر بی تفاوتی اجتماعی تأثیر نداشته‌اند. ثانیاً، متغیرهای احساس بی قدرتی با ضریب رگرسیونی ۰/۳۷۱، امید به آینده با ضریب ۰/۲۴۹- و تحلیل هزینه - پاداش با ضریب ۰/۱۶۹ به ترتیب بالاترین تأثیر رگرسیونی را روی متغیر بی تفاوتی اجتماعی داشته‌اند. از آنجایی که متغیر امید به آینده منفی می‌باشد به هنگام مقایسه ضرایب استاندارد شده علامت منفی در نظر گرفته نمی‌شود زیرا این علامت شدت ارتباط را بیان نمی‌کند و فقط بیانگر جهت است. برای تفسیر می‌توان بدین شکل تفسیر نمود که به ازای افزایش یک انحراف استاندارد در متغیر احساس بی قدرتی، میزان بی تفاوتی اجتماعی در فرد به میزان ۰/۳۷۲ انحراف استاندارد افزایش خواهد یافت.

بحث و نتیجه گیری

با توجه به آمار توصیفی از نظر جنسیت ۲۳۰ نفر مرد و ۱۷۰ نفر زن بوده است. از لحاظ گروه سنی بیشترین تعداد پاسخگویان را گروه سنی ۱۹ تا ۲۱ سال در بر گرفته است. ۷۵/۵ درصد پاسخگویان مجرد و ۲۴/۵ درصد پاسخگویان متأهل می‌باشند. در میان پاسخگویان مقطع تحصیلی لیسانس با ۷۴/۲ درصد بیشترین و فوق دیپلم با ۷/۰ درصد کمترین پاسخگو را دارند. از لحاظ رشته تحصیلی ۴۹/۵ درصد در رشته تحصیلی علوم انسانی، ۲۴/۵ درصد در رشته تحصیلی علوم پایه

۲۶ درصد در رشته تحصیلی فنی و مهندسی در حال تحصیل بودند. از ۴۰۰ نفر نمونه آماری ۵۲ نفر شاغل و ۳۴۸ نفر بیکار بودند. محل سکونت ۱۸ درصد پاسخگویان در روستا و ۸۲ درصد در شهر بوده است. از لحاظ قومیت بیشترین درصد قومیت را آذری، با ۷۸/۵ درصد و کمترین آن را قوم عرب با ۰/۵ درصد تشکیل می‌دادند. همچنین ۹۱ درصد از پاسخگویان گرایش به مذهب شیعه و ۹ درصد سنی مذهب بودند. مالکیت سکونت ۹۲/۵ درصد پاسخگویان مالکیت شخصی و ۷/۵ درصد اجاره می‌باشد.

توصیف متغیرهای اصلی پژوهش نشان می‌دهد که در متغیر بی تفاوتی اجتماعی، ۲۸ درصد از پاسخگویان بی تفاوتی در حد کم، ۶۹ درصد از پاسخگویان بی تفاوتی در حد متوسط و ۳ درصد از پاسخگویان بی تفاوتی در حد زیاد از خود گزارش دادند. در متغیر محرومیت نسبی، ۳۱/۵ درصد از پاسخگویان در حد کم، ۴۹ درصد متوسط و ۱۹/۵ درصد در حد زیاد احساس محرومیت نسبی از خود گزارش دادند. در متغیر رضایت اجتماعی ۶ درصد از پاسخگویان رضایت در حد کم، ۶۶ درصد میزان رضایت در حد متوسط و ۲۸ درصد میزان رضایت در حد زیاد از خود نشان دادند. همچنین ۲۲ درصد از پاسخگویان احساس بی قدرتی در حد کم، ۶۷ درصد در حد متوسط و ۱۱ درصد در حد زیاد از خود گزارش دادند. برای متغیر امید به آینده، ۲۰/۵ درصد در حد کم، ۶۲/۵ درصد در حد متوسط و ۱۷ درصد در حد زیاد از خود گزارش دادند. برای متغیر تحلیل هزینه- پاداش ۵۲/۵ درصد از پاسخگویان کم بیشترین درصد فراوانی و ۸/۵ درصد زیاد کمترین درصد فراوانی را در مورد تحلیل هزینه - پاداش گزارش دادند و در نهایت از نظر طبقه اجتماعی، ۴۳/۵ درصد در طبقه پایین، ۳۷/۵ درصد در طبقه متوسط و ۱۹ درصد در طبقه بالا قرار داشتند.

در مورد نتایج استنباطی در اولین فرضیه که رابطه معناداری بین محرومیت نسبی و بی تفاوتی اجتماعی دانشجویان مورد تأیید قرار گرفت. این نتیجه گیری با نتایج پژوهش‌های پیشین (محسنی تبریزی و صداقتی فرد، ۱۳۸۹) و (هدایتی، ۱۳۹۳) مطابق می‌باشد. با توجه به وجود رابطه بین این دو متغیر می‌توان این نتیجه را با نظریه محرومیت نسبی دانشمندان مثل هومنز و گور و آنتونی داونز مطابقت داد.

در فرضیه دوم که رابطه معناداری بین تحلیل هزینه- پاداش و بی تفاوتی اجتماعی دانشجویان مورد تأیید قرار گرفت. این نتیجه مطابق با نتایج تحقیقات پیشین (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۶؛ پیلیاوین و دویدیو، ۱۹۸۱) می‌باشد. البته در تحقیق انجام گرفته توسط کلانتری و همکاران اگر چه واحد نمونه متفاوت بوده و جامعه شهری ایران را در بر گرفته است، با این وجود می‌توان آن را با

پژوهش حاضر همسو دانست. نتیجه بدست آمده با این فرضیه را می‌توان با نظریه‌های پیلیاوین، باستون، لاتانه، دارلی، هومنز و دال همسو دانست.

در فرضیه سوم که رابطه معناداری بین رضایت اجتماعی و بی‌تفاوتی اجتماعی دانشجویان مورد تأیید قرار گرفت. در این زمینه نتایج تحقیق حاضر با نتایج تحقیقات پیشین (محسنی تبریزی، ۱۳۸۱؛ ابوالفضل اسکویی، ۱۳۸۷ و چن و زانگ، ۱۹۹۹) همخوانی دارد ولی با نتایج تحقیق (معید فر و دربندی، ۱۳۸۵) همخوانی ندارد. نتیجه بدست آمده در این فرضیه را می‌توان با نظریه‌های فردینبرگ، گمسون و لیپست همسو دانست.

فرضیه چهارم که رابطه معناداری بین طبقه اجتماعی و بی‌تفاوتی اجتماعی دانشجویان مورد تأیید قرار گرفت. این نتیجه مطابق با نتایج تحقیقات پیشین (قانع‌ی راد و حسینی، ۱۳۸۴؛ اون اسنیپنبرگ و شیپرز، ۱۹۹۱) می‌باشد. یافته‌ها حاکی از آن است که هر چقدر طبقه اجتماعی افراد بالاتر باشد میزان بی‌تفاوتی اجتماعی آنها نیز کمتر است و بالعکس. نتیجه بدست آمده در این فرضیه را می‌توان با نظریه‌های میلز و براون و اسکیس همسو دانست.

فرضیه پنجم که رابطه معناداری بین احساس بی‌قدرتی و بی‌تفاوتی اجتماعی دانشجویان مورد تأیید قرار گرفت. این نتیجه با نتایج پیشین (نادری، ۱۳۸۸؛ مسعودنیا، ۱۳۸۶؛ محسنی تبریزی، ۱۳۷۶) مطابقت دارد. نتیجه بدست آمده در این فرضیه را می‌توان با نظریه‌های ماری لوین و سیمن همسو دانست.

در نهایت در فرضیه ششم که رابطه معناداری بین امید به آینده و بی‌تفاوتی اجتماعی دانشجویان مورد تأیید قرار گرفت. این نتیجه گیری مطابق با نتایج پیشین (امام جمعه زاده و همکاران، ۱۳۹۱؛ علیزاده اقدم، ۱۳۹۱) مطابقت دارد. به طور کلی نتیجه بدست آمده از این فرضیه را می‌توان با تئوری امید به دستیابی به اهداف و ناکامی و دل‌سردی دور‌کهایم و مرتون همسو دانست.

پژوهش مورد نظر، تلاش کرد به بررسی و شناسایی عوامل موثر اجتماعی و اقتصادی بر بی‌تفاوتی اجتماعی دانشجویان بپردازد. بر این اساس بی‌تفاوتی اجتماعی مورد بررسی و ارزیابی و به طور همزمان متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در این راستا پژوهش مورد نظر با محدودیت‌هایی همراه بود که عبارتند از: ۱- عدم به روز رسانی و تطبیق منابع داخلی با منابع خارج از کشور ۲- کمبود پژوهش‌ها و منابع مربوط به موضوع مورد پژوهش ۳- عدم ارائه آمار و اطلاعات دقیق از سوی سازمان‌ها و ارگانهای دولتی.

با توجه به آزمون فرضیه‌های پژوهش حاضر متغیر بی‌تفاوتی اجتماعی به عنوان متغیر وابسته پژوهش در رابطه با متغیرهای مستقل متشکل از شش متغیر (محرومیت نسبی، رضایت اجتماعی،

احساس بی قدرتی، طبقه اجتماعی، تحلیل هزینه-پاداش و امید به آینده) مورد بررسی قرار گرفت. در ضمن از روش رگرسیون چند متغیره برای تبیین ارتباط بین متغیرها و سهم هر متغیر در تبیین متغیر وابسته مورد استفاده قرار گرفته است که در زیر به نتایج بدست آمده از تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخته می‌شود.

در فرضیه اول که رابطه بین محرومیت نسبی و بی تفاوتی اجتماعی دانشجویان مورد تأیید قرار گرفت. این نتیجه نشان می‌دهد که با افزایش محرومیت نسبی، میزان بی تفاوتی دانشجویان نیز افزایش می‌یابد. نتایج بدست آمده در این پژوهش نشان داد که دانشجویان در جامعه آماری این پژوهش، شرایط خود را در مقایسه با افراد مشابه خود و دیگران با نوعی محرومیت نسبی ارزیابی کرده اند که از این حیث بر میزان بی تفاوتی آنها در جامعه افزوده شده است.

در فرضیه دوم که رابطه بین تحلیل هزینه-پاداش و بی تفاوتی اجتماعی دانشجویان مورد تأیید قرار گرفت. افراد در موقعیت‌های متفاوت به سرعت هزینه‌ها و پاداش‌های مشارکت را بررسی می‌کنند. در صورتی که هزینه‌ها بالا باشد و پاداشی در بر نداشته باشد فرد مشارکتی نخواهد کرد و از خود بی تفاوتی نشان خواهد داد. در ضمن اگر فرد مطمئن شود که در نتیجه مشارکت منفعتی بدست می‌آورد در آن کار درگیر خواهد شد. در غیر این صورت با بی تفاوتی از کنار آن خواهد گذشت.

در فرضیه سوم که رابطه بین رضایت اجتماعی و بی تفاوتی اجتماعی دانشجویان مورد تأیید قرار گرفت. هرگونه نارضایتی در سطح جامعه و عموم مردم در مدت زمان کوتاهی می‌تواند باعث عدم تعلق و بی‌اعتنایی اجتماعی در جامعه گردد. چنانچه رضایت فردی و اجتماعی در جامعه در سطح نرمال و متعادلی باشد بی تفاوتی اجتماعی کاهش می‌یابد و جای خود را به مشارکت و همدلی می‌دهد. همانطور که جامعه شناسان معتقدند نارضایتی در فرد می‌تواند به نوعی انفصال و جدایی از موضوعات پیرامون و انفکاک فرد از پیوندهای اجتماعی منجر گردد. از آنجایی که نمونه آماری تحقیق مورد نظر، جوانان را دربر گرفته است. اندیشمندان بسیاری نیز بررسی خود را عمدتاً معطوف به علل نارضایتی نسل جوان قرار داده اند.

محیط آموزشی و تجارب تحصیلی فرد، زندگی خانوادگی و ارتباطات فامیلی و گروه همسالان که فرد با آنها در تعامل و کنش متقابل مستمر به سر می‌برد از علل و عوامل عمده در بروز احساس نارضایتی نسل جوان است. جوانان نارضایتی خود را به صورت رفتار منفصلانه و ناسازگارانه در قبال ارزشها، هنجارها و ضوابط اجتماعی نهادی شده بروز می‌دهند و در مقابل آن رُستی دفاعی همراه با احساس نفرت، بدبینی، انفعال و بی تفاوتی می‌گیرند.

در فرضیه چهارم که رابطه بین طبقه اجتماعی و بی تفاوتی اجتماعی دانشجویان مورد تأیید قرار گرفت. اعضای طبقات بالا معمولاً از نظر سیاسی فعالند و سطح مشارکت آنها در فعالیت‌های اجتماعی بسیار بالا است. بدین سان میان طبقه اجتماعی و میزان مشارکت در فراگرد سیاسی نیز ارتباط وجود دارد. اعضای طبقه پایین معمولاً به اندازه طبقات بالاتر علاقه به مشارکت سیاسی ندارند. معمولاً هر چه طبقه اجتماعی فرد بالاتر باشد، احتمال مشارکت و درگیریش در فعالیت‌های اجتماعی بیشتر است. سطح مشارکت فعال در باشگاه‌های اجتماعی، انجمن‌های شهری، انجمن‌های خانه و مدرسه و سازمان‌های سیاسی، در میان طبقات پایین تر، نازل تر است.

در فرضیه پنجم که رابطه بین احساس بی قدرتی و بی تفاوتی اجتماعی دانشجویان مورد تأیید قرار گرفت. افراد مختلف از نظر احساس بی قدرتی در شرایط متفاوتی به سر می‌برند به این معنا که اقلیت‌ها و گروه‌های کم درآمد بیشتر در معرض احساس بی قدرتی هستند. افرادی که نمی‌توانند مسیر زندگیشان را بدون دخالت دیگران تعیین کنند، احساس بی قدرتی می‌کنند. به عبارتی توانایی برای پیشرفت در زندگی و ابزار دستیابی به هدف‌هایشان در اختیار ندارند. در نتیجه این امر بر میزان مشارکت اجتماعی و سیاسی و رویکردهایشان، تأثیر تعیین کننده‌ای دارد. به عبارتی فرد کنش سیاسی - اجتماعی خود را در تعیین مسیر وقایع، بی تأثیر تلقی می‌کند.

در نهایت در فرضیه ششم که رابطه بین امید به آینده و بی تفاوتی اجتماعی دانشجویان مورد تأیید قرار گرفت. این نکته در مجموع ثابت شده است که هر چقدر امید به آینده فرد بالاتر باشد میزان درگیریش در مسائل بیشتر خواهد بود. امید سازه‌ای است که با خوش بینی ارتباط تنگاتنگی دارد. وجود امید به آینده پایین در این پژوهش، نشان دهنده واقعیات اجتماعی جامعه از این نقطه نظر است که جوانان نسبت به آینده با شک و تردید می‌نگرند. لازم به ذکر است که با کاهش امید به آینده جوانان در سطح جامعه و عموم مردم می‌تواند باعث جدایی و بی‌اعتنایی آنها نسبت به مسائل جامعه گردد. لذا فضای ناامیدی در جامعه زمینه ساز پیامدهای منفی و خسارت‌های فراوان برای آینده کشور در بر دارد. جوانانی که خود را فراموش شده و رها شده به حال خود می‌دانند خود را با ارزش‌های جامعه منفک و جدا شده تلقی می‌کنند. در چنین وضعی نسبت به مسائل سیاسی - اجتماعی جامعه بی‌تفاوتی نشان داده که منجر به جدایی و انفعال فرد از موضوعات و پیوندهای اجتماعی می‌گردد.

در رگرسیون چند متغیره تأثیر سه متغیر تحلیل هزینه-پاداش، احساس بی قدرتی و امید به آینده بر بی‌تفاوتی اجتماعی معنی دار است. اما متغیرهای محرومیت نسبی، رضایت اجتماعی و طبقه اجتماعی، به خاطر اینکه سطح خطای مقدار t آنها بالاتر از 0.05 می‌باشد بر متغیر بی‌تفاوتی اجتماعی

تاثیر نداشتند. با توجه به نتایجی که در رگرسیون چند گانه به دست آوردیم، حاکی از این است که از بین متغیرهای مستقل ، متغیر احساس بی قدرتی (۰/۳۷۱) بیشترین اثر را داشته و به عبارتی قویترین پیش بین کننده بی تفاوتی اجتماعی دانشجویان بوده است و بعد از آن متغیر امید به آینده (۰/۲۴۹-) و بعد از آن متغیر تحلیل هزینه -پاداش (۰/۱۶۹) به ترتیب بیشترین تاثیر را بر بی تفاوتی اجتماعی دانشجویان داشته است.

منابع

- افشانی، علیرضا. (۱۳۷۸). آموزش کاربردی SPSS در علوم اجتماعی و رفتاری، یزد: انتشارات دانشگاه یزد.
- تنهایی، حسین ابوالحسن. (۱۳۹۱). بازشناسی تحلیلی نظریه‌های مدرن جامعه‌شناسی در مدرنیته در حال گذار، تهران: نشر علم.
- چلبی، مسعود. (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی نظم؛ تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، تهران: نشر نی.
- حبیب پور، کرم؛ صفری، رضا. (۱۳۸۸). راهنمای جامع کاربرد SPSS در تحقیقات پیمایشی، تهران: لویه، متفکران.
- دال، رابرت. (۱۳۶۴). تجزیه تحلیل جدید سیاست، ترجمه حسین ظفریان. تهران: انتشارات مردنیز.
- دورکیم، امیل. (۱۳۷۸). خودکشی، ترجمه ی نادر سالارزاده امیری. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- ریتزر، جرج. (۱۳۷۴). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۰). دایرة المعارف علوم اجتماعی، تهران: انتشارات کیهان.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۸۵). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ساعی ارسى، ایرج. (۱۳۸۹). مهارت‌های نوشتاری پژوهش در علوم اجتماعی، تهران: انتشارات بهمن برنا.
- ساعی ارسى، ایرج. (۱۳۸۷). روش‌های پژوهش در علوم اجتماعی (ابزارها و فنون کمی پژوهش)، تهران: راه ابریشم.
- شارع پور، محمود. (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، تهران: انتشارات سمت.
- علیزاده اقدم، محمداقبر. (۱۳۹۱). بررسی میزان امید به آینده در بین دانشجویان و عوامل موثر بر آن. فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی سال ۲۳، پیاپی ۴۸، شماره چهارم، ص ۱۸۹ تا ۲۰۶.
- کلانتری، صمد و همکاران. (۱۳۸۶). بررسی بی‌تفاوتی و نعدوستی در جامعه شهری ایران و عوامل موثر بر آنها. دو ماهنامه دانشگاه شاهد، سال چهاردهم، اردیبهشت، شماره ۲۲.
- کوهن، بروس. (۱۳۸۴). درآمدی به جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی. تهران: نشر توتیا.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۶). جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
- محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۷۰). بیگانگی، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۲.
- محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۸۰). آسیب‌شناسی جوانان: بررسی انزوای ارزشی و مشارکت فرهنگی در محیط‌های دانشجویی ایران، تهران: انتشارات موسسه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش.

- محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۸۱). آسیب شناسی بیگانگی اجتماعی - فرهنگی (بررسی انزوای ارزشی در دانشگاه‌های دولتی تهران). فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره ۲۶.
- محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۸۲). بررسی مشارکت سیاسی بانوان در ۲۸ استان کشور. تهران: دفتر امور بانوان وزارت کشور.
- مسعودنیا، ابراهیم. (۱۳۸۰). تبیین جامعه شناختی بی تفاوتی شهروندان در حیات اجتماعی و سیاسی. اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شهریورماه، شماره ۱۶۸-۱۶۷.
- ملک، حسن. (۱۳۸۵). جامعه شناسی قشرها و نابرابری اجتماعی. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- Friedenber, E. (1963). Coming of Age in America .New York : Vintage books.
- Rosenberg, M. (1955).Some determinants of Political Apathy. The public opinion Quarterly, Vol.32 , pp:349-366.
- Piliavin , J. A.(1990).Altruism ;A review of recent theory and research .Annual review of Sociology.16.